

مسئولیت وجدانی، اخلاقی، قانونی کارشناس بسیار و بایستی در انجام وظیفه حقیقت علم - وجدان و صراحت وافر و احتیاط را همیشه در نظر داشته باشد دادگاه بایستی مهلت لازم به پزشک کارشناس برای اظهار نظر بدهد.

تحت نظر و مطالعه گذاشتن متهم از لحاظ روحی بایستی مورد قبول واقع شود.  
کارشناسی کار سهل و آسانی نیست مسئولیت های مهمی دارد

## بحث در قوانین تجاری انگلستان

### صلاحیت طرفین برای قرارداد

در انگلستان صلاحیت طرفین منوط است بمقررات قانون اقامت - در بسیاری از موارد عادی هر مملکتی را که طرفین محل اقامت خود معرفی نمایند مسکن دائمی آنها شناخته میشود و مسکن دائمی ربطی بمسئله ملیت ندارد چنانکه مثلاً یک نفر فرانسوی ممکن است انگلستان را مسکن و اقامتگاه دائمی خود قرار دهد و زندگی در آنجا را بپسندد اما بتغییر تابعیت خویش مایل نبوده همواره در ملیت فرانسوی باقی بماند. البته مسکن دائمی این شخص انگلستان است. قانون اقامت بر صلاحیت طرفین برای قرارداد همواره نافذ میباشد مگر در این دو مورد استثنائی: ۱- صلاحیت شخصی که بقرارداد تجارته را متعهد میشود زیر حکم قوانین همان مملکتی است که قرارداد در آنجا انعقاد می یابد

۲- صلاحیت عقد قرارداد راجع باموال غیر منقول یعنی اراضی تحت حکم قوانین همان مملکتی است که اراضی در آنجا واقع است.

در این مقالات هر جا از قراردادهای تجارته بحث می شود طرفین آن اشخاصی هستند که مقیم انگلستان میباشند و نیز موضوع قراردادها راجع بغير منقول مقصود اراضی واقع در انگلستان خواهد بود.

در انگلستان اساساً چنین فرض شده که هر شخصی صلاحیت دارد بقصد قرارداد اقدام نماید لیکن یکمدهر قانون

فاقد این صلاحیت شمرده و علاوه بر آن ممکن است در بعضی موارد نیز بر صلاحیت بعضی مردم اعتراض شود. صلاحیت اشخاص قانونی مانند اتحادیه ها و شرکت ها منوط است بمقررات پیمان یا اساسنامه ای که آن سازمان هارا بوجود آورده است.

### بیگانگان

قانون تغییر تابعیت در انگلستان سال ۱۸۸۰ وضع گردید و بعدها قانون ملیت بریتانیا و قانون راجع به بیگانگان سال ۱۹۱۴ جای آنرا گرفت و سال ۱۹۱۸ بعضی مواد این قانون نیز تغییر یافت. از هنگام وضع قانون نخستین بعد یکفرد بیگانه در عقد قرارداد همان صلاحیتی را دارد که هر فرد از اتباع بریتانیا خواه بملیت بریتانیا تولد یافته و خواه بدان ملیت وارد شده باشد همان صلاحیت را حائز است باستثنای اینکه یکفرد خارجی حق ندارد در بحریه و کشتی های بریتانیا مالکیتی احراز و یا سهامی خریداری کند زیرا دولت انگلیس بحریه خود را بمنزله شریان وجود کشور شناخته نمی- خواهد هیچ فرد بیگانه در آن کمترین مداخله داشته باشد.

### بیگانگان در حال دشمنی

این صلاحیت بیگانگان که اشاره شد مربوط است بهنگام صلح ولی هیچ فرد از اتباع بریتانیا نمیتواند با

ردیف صفار محسوب است تائیدش از تصویب قانون حمایت صفار سال ۱۸۷۴ هر گونه قرارداد دادی که صغیر منعقد میساخت خالی از اعتبار و العا پذیر نبود مگر قراردادهائی که برای ضروریات زندگانی بسته میشد که صغیر میتواند به اختیار خود آنها را تنفیذ نموده و یا ملغی سازد ولیکن قانون ۱۸۷۴ مقررات سابق را بکلی تغییر داد چنانچه در قسمت اول آن اینگونه اشعار شده: «هر گونه قرارداد خواه قرارداد کتبی و خواه ساده که بعد از این تاریخ انعقاد یابد برای اجاره گرفتن یا اجاره دادن یا دادن امتعه و یا گرفتن امتعه (باستثنای آنچه که بضروریات زندگانی مربوط است) و هر گونه محاسبات که طرف آنها صغیری بوده باشد مطلقاً باطل میباشد. مسلم است که مفهوم این ماده به قراردادهائی که طبق قوانین مخصوصه دیگر و یا طبق عرف عام یا عرف خاص از طرف صفار منعقد شده و یا منعقد خواهد شد و موارد آنها از مفهوم این ماده مستثنی میگردد ضرری نمیرساند.»

#### تصویب قرارداد بعد از بلوغ

در قسمت دوم از قانون ۱۸۷۴ چنین اشعار شده: «هر گاه صغیر بعد از بلوغ وعده دهد که دینی را که قبل از بلوغ قرارداد شده بپردازد و یا بعد از بلوغ قرار داد یا وعده قبل از بلوغ را تصویب نماید خواه وعده و تصویب اخیر در ازای عوضی بوده یا بلاعوض باشد در هر حال بهیچوجه نسبت باین گونه وعده یا تصویب نمیتوان در داد گاهها اقامه دعوی و تعقیب قضائی نمود.»

هر چند در قانون عبارت (مطلقاً باطل) آمده ولیکن طی عمل قضات و داد گاهها آنرا بمعنای (قابل ابطال) تفسیر نموده اند از جمله در قضیه (پیرس با برین سال ۱۹۲۹) صغیری موتور سیکلت خودش را بایک اتومبیل سواری مبادله و پس از آنکه سواری را نمی پسندد در صدد استرداد سیکلت خود بر میآید ولی محکمه چنین رأی میدهد که اولاً چون اشیاء مبادله شده جزء ضروریات زندگانی نیست نمیتوان

اتباع دولتی که با بریتانیا در حال جنگ باشد قرار داد منعقد سازد مگر آنکه آن شخص بیگانه در طول مدت جنگ مقیم انگلستان بوده و برای ادامه تجارت پروانه مخصوص تحصیل کرده باشد. چنین شخصی میتواند در حدود اختیاراتی که در پروانه مقرر گردیده داخل معاملات و بتجارت خویش ادامه دهد و نیز میتواند هنگام لزوم بهر کدام از داد گاههای رسمی انگلستان که بخواهد برای احقاق حق خود مراجعه نماید.

تبعه دشمن در هر موقع ممکن است مورد تعقیب قضائی واقع شود و حق دارد از حکمی که بر علیه وی صادر شده است درخواست بزهش نماید البته این قواعد ممکن است طی مقرراتی که هنگام لزوم از طرف مجلس وضع خواهد شد تغییر پذیرد.

#### امتیازات سیاسی

دولت های خارجه و فرمانروایان آنها و سفرا و کارکنان رسمی سفارت خانه ها ممکن است با اتباع انگلیس قرارداد ببندند ولیکن در خاک انگلیس تعقیب قضائی آنها از لحاظ اجرای قرارداد مجاز نمیشد مگر آنکه خود آنها مایل باشند که قضاوت داد گاههای انگلیس را در باره خویش بر سمیت شناخته بپذیرند هر چند مقامات نامبرده خودشان در داد گاههای انگلستان تعقیب نمیشوند مگر بشرط مذکور اما میتوانند ایشان بر علیه طرف دیگر قرارداد اقامه دعوی نمایند. مصونیت نمایندگان سیاسی حتی با اتباع انگلیس که در سفارت خانه های بیگانه خدمت میکنند نیز شامل میگردد مگر در موردی که قانون انگلیس صریحاً آنرا استثنا نموده باشد این امتیازات مخصوصه طی قانون امتیازات نمایندگان سیاسی سال ۱۷۰۸ مندرج گردیده است.

صفار

هر کس عمر او کمتر از بیست و یکسال باشد در

بمیل صغیر معامله را باطل ساخت و اما از لحاظ رعایت قسمت اول قانون حمایت صغار نیز وقتی صغیر میتواند سیکلت خود را پس بگیرد که معلوم شود هیچگونه عوضی در مقابل آن دریافت نکرده بوده بعبارت دیگر هیچ نفعی از قرارداد عاید صغیر نشده و حال آنکه در این معامله بجای سیکلت موتور سواری گرفته است.

### قرارداد قابل ابطال

بطور کلی راجع بسایر قراردادهائی هم که صغیر می بندد آنچه که از قانون حمایت صغار و قانون عرف عام استنباط میشود فقط قابل ابطال بودن آنهاست نه باطل بودن - چنانچه نابالغ بعد از بلوغ میتواند قرار دادی را که هنگام نابالغ بودن خود بسته است تصویب نماید چیزی که هست بطوری که قبلاً یاد شد طرف دیگر نمیتواند بوسیله دادگاهها تنفیذ آنرا بخواهد.

### حق صغیر در تعقیب طرف

هر چند طرف قرارداد نمیتواند بر علیه صغیر اقامه دعوی نماید ولیکن صغیر می تواند بر علیه طرف اقامه دعوی کند منتهی این که این دعوی می باید بوسیله شخصی که در آنکستان بلهجه عام «دوست نزدیک» نامیده می شود اقامه گردد و این شخص خویشاوند صغیر یا کسی دیگری است که بهر حال مسئول مصارف محاکمه میباشد. همچنین در مواردی که دعوائی بر علیه صغیر اقامه شود میباید قیم قانونی بنمایندگی او در دادگاه حضور یابد - باستثنای موردی که دعوا راجع باجرت و دستمزد بوده و از صد لیره تجاوز ننماید که در اینصورت صغیر میتواند در دادگاه صلح مانند مرد بالغی شخصا اقامه دعوی کند.

در قضایای مربوط بقراردادهائی که مستلزم مسئولیت مدید میباشد مانند اشترک یا سهم داری در شرکت های تضامنی بنا بر قانون انکلیس شخص نابالغ پس از بلوغ

مسئول خواهد بود مگر آنکه در ظرف مدت معقولی بعد از رشد از خویشتن سبب مسئولیت نموده باشد. هر گاه يك تجارخانه راجع باجناسی كه خریده است محكوم علیه واقع گردد دو یکی از شرکای آن صغیری بوده باشد دادگاه صغیر را مستثنی ساخته بر علیه سایر شرکا حکم میدهد. همچنین راجع بسفارش يك تجارخانه هر گاه دعوائی بمیان آید در حکمی که بر علیه آن صادر شود صغیری که از جمله شرکای تجارخانه است مستثنی می گردد.

### ضروریات زندگانی چیست

تعیین اینکه ضروریات زندگانی برای صغیر از چه قرار است در قانون فروش اجناس سال ۱۸۹۳ بدین طریق آمده: «اجناسی که هنگام فروش و تسلیم آنها بصغیر با شرایط معیشت و اوضاع او متناسب بوده باشد»

البته قسمت عمده این تناسب منوط است بموقعیت اجتماعی و خانوادگی صغیر و بعلاوه نباید فراموش کنیم که ضروریات زندگانی با پیشرفت تمدن و توسعه ثروت تدریجاً تغییر میپذیرد قدر مسلم اینست که هر چیزی فعلاً بدرد نخورد سودمند نباشد از جمله ضروریات زندگانی محسوب نمیشود معذلك ممکن است چیزی سودمند باشد اما از حیث کمیت و کیفیت تمذیر و اسراف شود. بلاشبهه مقدار مکفی غذا و نوشیدنی، ابزار و اثاثیه و پوشاک و اوزم طبیعی امثال آنها از جمله ضروریات شمرده می آید. طی دعوائی (هندز با سالانی سال ۱۷۹۹) راجع بمایحتاج زندگانی يك نفر خدمتکار - وطنی قضیه (کویت با ویلسن سال ۱۸۰۴) راجع بابناس متحدالشکل یک نفر داوطلب ارتش - وطنی دعوائی دیگری از نظایر آنها برای دادگاه انکلیس راجع بضروریات در حدود مفهومی که در بالا یاد شد صدور یافته است (قضیه تعلیم اسب سال ۱۸۳۷ - تعلیم تجارت ۱۸۹۱ - دفن میت سال ۱۸۴۴) از دعوائی مشهوریست که طی رأی دادگاهها راجع

که قبل از نامزدی خریداری شده جزء ضرعریات نیست. (باید در نظر داشت که چون در انگلستان بلوغ را بسن ۲۱ سالگی قرار داده اند مسئله ازدواج را منوط به آن نساخته اند بنابراین دو نابالغ میتوانند ازدواج نمایند و فقط در نتیجه تبلیغاتی که بعد از جنک شد اخیراً قانونی وضع کردند که دختر قبل از سن ۱۴ سالگی نمیتوانند ازدواج کنند.)

### دعوی صغر سن

هر گاه دعوائی بر علیه کسی اقامه شود و مدعی علیه عدم بلوغ را بخواهد دفاع خود قرار دهد اثبات اینکه در زمان عقد قرارداد نابالغ بوده است بر عهده وی میباشد که در همان بدو محاکمه باید بشبوت رساند. قانون انگلستان برای موردیکه یک نفر نابالغ از روی تزویر خود را بالغ معرفی نموده و طرف باطمینان معرفی او با مشارالیه وارد معامله و قرارداد میشود مقرراتی پیش بینی ننموده است و نیز بر علیه نابالغی که از روی تزویر سن خود را غیر واقع نشان میدهد بدین قصد که طرف را به عقد قراردادی با خویشتن راضی گرداند هیچ گونه دعوی جزائی نمیتوان نمود. بنا بر این در چنین مواردی مدعی باید معلوم بدارد اجناسی که به صغیر داده جزء ضروریات زندگانی محسوب است مدعی شهودی اقامه مینماید تا موقعیت و احتیاج صغیر را نشان بدهد سپس دادگاه رسیدگی کرده در باره اینکه اجناس مزبور را میتوان جزء ضروریات شمرد یا نه قرار صادر می کند. یک نفر نابالغ همانطور که مسئول قیمت ضروریات زندگانی خودش میباشد نسبت بضروریات زندگانی زوجه و اطفال خودش نیز مسئول است این نکته را هم باید روشن نماییم که ابوین یا قیم صغیر مسئول قرار داهائی که او ببندد نیستند مگر آنکه بطریق تصریحی یا ضمنی صغیر را بعنوان عامل یا نماینده خویش معرفی نموده باشند.

بآنها حدود ضروریات کاملاً روشن شده است در موردیکه مسام شود جنسی که بصغیر فروخته شده از ضروریات محسوب میشود باز هم فروشنده راجع بقیمت آن هر گاه عادلانه نباشد مسئول است زیرا طبق قانون فروش اجناس سال ۱۸۹۳ فروشنده مکلف است از قیمت عادلانه تجاوز ننماید. با وجود این پناه هر گاه فروشنده چیزهایی بصغیر بفروشد که هر چند جزء ضروریات شمرده میشود اما نزد صغیر بقدر کفایت از آنها موجود باشد دادگاه برای تأدیه قیمت آن چیزها رأی نداده و فروشنده باید ضرر آنرا تحمل نماید. مثلاً دادگاه دو یا سه دست لباس را مکفی می شمارد ولی بیست و سی دست را خارج از حدود ضروریات میدانند. در قضیه (جانستون بامار کس سال ۱۸۸۷) لرد (اشر) پیشوای دادگاهها چنین اشعار داشت:

«مدعی نه فقط باید ثابت نماید اجناسی که داده جزء ضروریات زندگانی بوده و جنبه نفی نداشتند بلکه باید بعلاوه ثابت نماید که در هنگام تسایم آن اجناس بصغیر نیز برای زندگانی وی ضرورت داشته است و حال آنکه ملاحظه میشود صغیر از نظایر اجناسی که مدعی باو داده است در آن هنگام بقدر کفایت نزد خود داشته است و این حقیقت است که دعوی مدعی را در این خصوص مست میگرداند. در یکی از دعوای متشابه سال ۱۹۳۵ استاد رولز عبارت زیر را از حکمی که در یک دعوی قدیم صادر شده بود نقل نمود:

«لفظ ضروریات را نباید منحصر به چیزهایی دانست که برای ادامه حیات لازم است بلکه شامل میشود به تمام اشیائی که از لحاظ حفظ حیثیت و مقام و درجه معیشتی که سزاوار یک شخص معین میباشد ضرورت دارد.» در دعوی دیگری سال ۱۹۳۶ بر علیه شرکتی که ضروریات ازدواج یک جوان نابالغ را داده بود طی رأی دادگاه اشعار شد: (نشانی که معمولاً هنگام نامزدی داده میشود و انگشتر عقد جزء ضروریات شمرده میشود اما کف دست زنانه